

مدیر اسبق دفتر چاپ وزارت ارشاد در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

## قوانین زائد دست «صنعت چاپ» را بسته است

توان تولید داریم اما نفع برخی در واردات است



زهرآ جعفری  
خبرنگار فرهنگ و هنر

اگر نگاهی به چهار سال گذشته در حوزه صنعت چاپ بیندازیم، به نظر نمان چقدر در این حوزه موفق بوده ایم؟ اینکه در این چهار سال چقدر موفق بودیم یا نبودیم را از دوزاویه می‌توان نگاه کرد؛ یکی بخش خصوصی و دیگری نظام دولتی و تولی‌گری چاپ. در بخش خصوصی ما همیشه می‌گوییم صنعت چاپ تابعی از متغیرهای اقتصادی جامعه است. در اقتصاد جامعه هر اتفاقی که می‌افتد، شما خروجی‌اش را می‌توانید در صنعت چاپ ببینید. یعنی اگر صنعت ما رونق داشته باشد، به‌خصوص صنایع غذایی، بهداشتی و صنایعی که مرتبط با صنعت چاپ هستند، حال صنعت چاپ خوب است. اگر نشر ما رونق داشته باشد، حال صنعت چاپ خوب است. متأسفانه این اتفاق نیفتاده است، به‌خصوص در سال گذشته رکود حاکم بر بازار، چاپخانه‌ها را واقعا اذیت کرد. در واقع پایین آمدن حجم سفارشات چاپی بخش خصوصی را در تنگنا قرار داد.

این رکود به چه چیزی برمی‌گردد؟ رکود کلی که بر صنایع حاکم است، مثلاً اگر صنایع غذایی، دارویی و بهداشتی و هر صنعتی که با صنعت چاپ در ارتباط است، دچار رکود باشد و رونق نداشته باشد به همان نسبت هم صنعت چاپ متضرر می‌شود. صنعت چاپ ارتباط تنگاتنگی با صنعت بسته‌بندی دارد.

واقعیت این است که شرایط سختی است و صنعت چاپ ما برای سرمایه‌ر گردش و بحث مالیات دچار مشکل است. من چاپخانه‌هایی را سراغ دارم که الان برای حق الزحمه پرسنل دچار مشکل هستند، چه برسد به اینکه بخواهند مجموعه‌شان را گسترش دهند. صنعت چاپ دارای رکود است و شکی در این نیست. اما در بخش دولتی اتفاق قابل‌توجهی را شاهد نبودیم. از چهار سال گذشته که بحث تغییر مدیریت شروع شد، عموماً کارهایی که اتفاق افتاد

جنبه نمایشی داشت، مثلاً هیچ گزارش کاری را در بخش چاپ در حوزه دولتی مشاهده نمی‌کنید که مدیر مربوطه گزارش دهد که این کارها را انجام دادیم و برنامه‌های سال آینده من این است. خاطرم هست یکی از وزرای قبلی را برای روز صنعت چاپ دعوت کردند که گفته بود گزارشی بدهید که من اصلاً در مورد چه چیزی می‌خواهم صحبت کنم. گفته بودند مثلاً ما این اندازه کتاب خریده‌ایم و یکسری مسائل پیش پا افتاده را گفته بودند، که وزیر هم قبول نکرد به آن برنامه بیاید.

تنها مزیت این دوره بحث تولی‌گری بخش صنعتی حوزه چاپ و واگذاری به بخش صنعت بود که البته آن هم اگر درست مدیریت نشود می‌تواند به یک فاجعه دیگر بدل شود، چون تا الان که وزارت ارشاد متولی این جریان بود، وضعیت این بود، حالا اگر دارای دو متولی شوند و بخواهند به هم پاس بدهند، وضعیت خیلی بدتر از این می‌شود.

ما هر سال داریم یک جشنواره را در روز صنعت چاپ برگزار می‌کنیم و بسیار هم تکراری است. یکسری آدم‌ها برندهای ثابت هر سال جایزه می‌گیرند تا سال بعد که دوباره ۱۱ شهریور شود و یک روز صنعت چاپ دیگر. چه اقدامی می‌شود انجام داد که جشنواره از این رکود بیرون بیاید؟

ما یکسری از واقعیت‌ها را نمی‌توانیم کتمان کنیم. تعداد نیروی انسانی فعال در این صنعت محدود است. در یک دوره پیشنهادی به منظور خروج جشنواره از رکود دادم، مبنی بر اینکه جشنواره را در فاز بین‌المللی منطقه‌ای کنیم. اینکه خوب نیست ما خودمان خودمان را تشویق کنیم و بگوییم چقدر آدم‌های خوبی هستیم. باید این فضای رقابت را با کشورهای منطقه داشته باشیم. مثلاً با چاپخانه‌های ترک و امارات و حتی با چاپخانه‌هایی که فکر می‌کنیم کوچک هستند مثل پاکستان وارد رقابت شویم. با مخالفت شد. گفتند ما دنبال این هستیم که در واقع صادرات داشته باشیم، اما این امر منجر به واردات می‌شود. من هم در جواب گفتم شما از همین الان قبول کردید که قافیه را باخته‌اید. اگر مثلاً چاپخانه‌دار ترک بیاید و اینجا جایزه ببرد، خیلی از سفارش‌های بزرگ به سمت این چاپخانه خواهد رفت. یا مثلاً می‌شد به سمت این برویم که جشنواره را سالانه برگزار کنیم و هر سال یک بخش از صنعت چاپ را مورد مسابقه قرار دهیم، زیرا چاپ بسیار گسترده است. اما مهم‌ترین آفتی که اداره چاپ به آن دچار شده، روزمرگی و دفع وقت است، چون من چندین دوره هم درشورای سیاستگذاری جشنواره بودم. عموماً تصور این است که جشنواره برای رفع تکلیف است و فقط و فقط چون این برنامه در سرفصل اداره کل چاپ دیده شده و بودجه‌ای برای آن در نظر گرفته شده است باید اتفاق بیفتد. اگر فراخوانی می‌دادند که ما می‌خواهیم در فرآیند برگزاری جشنواره بازنگری بکنیم، مطمئناً نظرات و



پیشنهادهای خوبی مطرح می‌شد که جشنواره بهتر برگزار شود. من فکر می‌کنم خیلی راحت‌تر می‌شد جشنواره را کیفی کرد و نظرات دلسوزان این حوزه را جویا شد، اما در عمل اتفاقی نمی‌افتد.

در سخنانتان درباره بین‌المللی شدن جشنواره صحبت کردید، شاید سوال من خیلی کلی باشد، اما ایران در کجای دنیای صنعت چاپ قرار دارد؟ ما توانسته‌ایم در همین کشورهای منطقه هم خودمان را مطرح کنیم؟ یکی از ایراداتی که در حوزه چاپ وجود دارد این است که به اعتقاد من چاپ در حوزه خودش اشباع شده است، یعنی در نیازهای داخلی کشور خودش را اشباع کرده. واحدهای چاپی‌ای در کشور هستند که کارهای صادراتی خوبی انجام می‌دهند. کار صادراتی چاپ در دو بخش است؛ یک بخش در واقع به سفارش سفارش دهنده تولید و صادر می‌شود. مثلاً بیسکویت اگر تولید می‌شود قاعدتاً بسته‌بندی‌ای دارد که کار چاپ روی آن انجام شده است، اما جزء صادرات محصولات چاپی محسوب نمی‌شود، جزء صادرات شیرینی و شکلات به شمار می‌آید. این شکلات یا شیرینی اگر صادر می‌شود، حتماً یک بسته‌بندی دارد، اما این بسته‌بندی در آمارهای مربوط به صنعت چاپ لحاظ نمی‌شود. مگر زمانی که من به‌عنوان یک سفارش دهنده خارجی بگویم که صدهزار بسته از این شکلات یا بیسکویت می‌خواهم. در همه محصولات هم این قضیه می‌تواند دیده شود، مثلاً ما در بخش بسته‌بندی سیگار که سفارش دهنده فقط بسته را سفارش می‌دهد، خیلی ضعیف هستیم. با اینکه یکسری در حال کار هستند، اما باید به این نوع کار گفت تجارت چمدانی. این کار در حد نیازهای روزمره است، به صورت یک فرآیند سیستماتیک، که تا به حال اتفاق نیفتاده و هیچ بخشی اعم از دولتی یا خصوصی به این مساله کمک نکرده‌اند. یکسری از افراد در بخش خصوصی هم خودشان خودجوش این کار را انجام می‌دهند.



اگر بخواهیم مصداقی بگوییم، چه نوع بسته‌بندی‌هایی را ما صادر می‌کنیم؟

به طور مثال، لفاف را صادر می‌کنیم. لفاف همان پوشش روی شکلات‌ها است که ما به صورت رولی صادر می‌کنیم. در واقع این اتفاق‌ها کم و بیش می‌افتد، اما نکته جالب اینجاست که کسانی که در این حوزه و طبق سفارش کار می‌کنند، معمولاً اطلاعاتشان را به کسی انتقال نمی‌دهند، زیرا نگران هستند که مبادا رقیبی جایشان را بگیرد و از این رو به صورت مخفی فعالیت خود را انجام می‌دهند.

چه کشورهایی متقاضی این صنایع چاپی ما هستند؟ از آنجا که به صورت مخفیانه کار انجام می‌دهند، خیلی مشخص نیست. مگر اینکه از طریق گمرک و کد تعرفه بتوانید پیدا کنید که البته چون با کد تعرفه‌های مختلف کار می‌کنند، آمار دقیق‌ی در دست نیست. البته از طریق نمایشگاه چاپ و بسته‌بندی شاید بتوان به این آمار دست یافت. در هنگام بازدید از نمایشگاه می‌توانید ببینید که از کشورهای مختلف آمدند تا ببینند بازار چگونه است. اما در کل به صورت سیستماتیک و منسجم اتفاقی جدی نیفتاده است. فرآیند منسجم‌فرآیندی است که در سازمان توسعه و تجارت یک فیلد کاری درخصوص صادرات چاپ فعالیت کنند و در اداره کل چاپ هم برنامه مشخصی برای حمایت از صادرات صنعت چاپ وجود داشته باشد، در حالی که تنها یک اداره صادرات و واردات کتاب وجود دارد که آن هم بیشتر روی ممیزی و محتوای کتاب‌های وارداتی کار می‌کند.

در مورد صادرات صحبت کردیم. به بحث واردات هم برسیم. اگر اوضاع این‌طور باشد، پس ما محصولات چاپی زیادی را باید وارد کنیم.

دو محدودیت اداره کل چاپ برای واردات دارد؛ یک محدودیت محتوایی است که نظرات روی آن صورت می‌گیرد که مطالب مغایر با فرهنگ ما وارد نشود. محدودیت دیگر هم این است که کالاهایی که ما خودمان توان تولید داریم، وارد کشور نشود. طبق آمارهایی که اداره چاپ وزارت ارشاد می‌داد، در دو حوزه بیشترین حجم واردات را داریم؛

یکی کاغذهای چندلایه که در چاپ به آنها «تتراپک» می‌گوییم، که بسیار زائد هم هستند؛ مثل پاکت‌های آمیوه و محصولات لبنی و خیلی از محصولات دیگر که از مجاری مختلف مثل ترکیه، عربستان، امارات و چین به کشور وارد می‌شوند. دومین حجم واردات در



حوزه لیبل است. اخیراً کارخانه‌های خوبی در کشور برای تولید لیبل احداث شده که چون با شونده‌ها و محصولات غذایی مرتبط است، کاربرد بسیاری دارد. چندین چاپخانه در این زمینه در حال فعالیت هستند و همین مساله باعث شده تا حجم واردات کم شود. تا جایی که من می‌دانم، سه شرکت هم در حوزه پاکت‌های چندلایه سرمایه‌گذاری کرده‌اند که در حال تولید هستند.

یعنی نمی‌شود امکاناتی فراهم شود که در داخل کشور این محصولات تولید شود تا این حجم از واردات را نداشته



ما حجم سرمایه‌گذاری سنگین است و هم تولید در انحصار شرکت‌هایی است که بخشی از این شرکت‌ها صهیونیستی هستند و به ایران کالا نمی‌دهند. اخیراً شرکت‌هایی از ایران با اروپا و چین وارد مذاکره شده‌اند تا از آنجا این تکنولوژی را وارد کنند.

پس خیلی از محصولاتی که ما روزمره می‌بینیم همه را وارد می‌کنیم. یک بخش جدی از محصولات چاپ و بسته‌بندی ما وارداتی است اما جدیداً کارهایی دارد انجام می‌شود برای چاپ در کشور.

با این تفصیلات ارشاد و وزارت صنعت، معدن و تجارت باید خیلی با هم هماهنگ باشند. این هماهنگی وجود دارد؟ من یکی از مدافعان تفکیک وظایف صنعتی و نظارتی چاپ هستم. به خاطر همین اتفاقاً فکر می‌کنم یکی از کلوگا‌های چاپ همین مساله است. تا الان وزارت صنعت، معدن و تجارت به چاپ به‌عنوان یک بچه سرراهی نگاه می‌کرد؛ چون فکر می‌کردند ارشاد متولی است و به



آمار، تولید، صادرات، واردات و حمایت هیچ کاری نداشت.

امیدوارم این تفکیک‌های سال‌های اخیر باعث شود به چاپ به‌عنوان یک صنعت نگاه شود. اگر نگاه این‌طور شود قاعدتاً در شهرک‌های صنعتی و بانک تخصصی صنعت و معدن برایش سهم در نظر گرفته می‌شود. چاپ در ساختار کسب‌وکار دو بخش بیشتر ندارد. یا بخش صنعتی است یا صنفی. بخش صنعتی بخشی است که فرایند صنعتی شدن را طی می‌کند. بخش صنفی هم بخش کسب‌وکار کوچک است.

متولی بخش صنفی اتاق اصناف و اتحادیه‌ها هستند. بخش صنعتی هم که در حوزه شهرک‌های صنعتی کار می‌کند.

اگر این اتفاق بیفتد که سازمان صنعت، معدن و تجارت به چاپ به‌عنوان صنعت نگاه کند و مدیریت کلان را به عهده بگیرد فکر می‌کنم اتفاق‌های خوبی می‌افتد. ارشاد هم باید نظارت‌های دست و پا گیرش را که روی کوچک‌ترین مسائل صنعت چاپ دخالت می‌کرده، کم کند. چاپ تکلیفش خود را می‌داند. صنعت چاپ مبتنی بر نیاز وارد می‌شود. مثلاً اگر الان احساس می‌شود که باید در حوزه لیبل وارد شود، این کار را می‌کند و چند میلیون دستگاه می‌خرد. اگر این تفکیک به درستی انجام شود اتفاقات خوبی می‌افتد.

در بحث مالیات، ناشران توانستند معافیت مالیاتی بگیرند. در حوزه چاپ چه اتفاقی افتاده است؟ در حوزه چاپ من به معافیت مالیاتی اعتقاد ندارم؛ باید عدالت مالیاتی اتفاق بیفتد و چاپخانه‌ها خیال‌شان راحت باشد که ممیز اداره مالیات براساس سلیقه کاری انجام نمی‌دهد. بهترین کاری که می‌شود در این حوزه انجام داد این است که مصرف برق چاپخانه‌ها حساب شود. اگر کیلوات را محاسبه کنند می‌توانند متوجه شوند که این چاپخانه پرکار است یا نه.

کاغذهایی که برای پول چاپ می‌شوند هم وارد می‌کنیم؟ بله، در دنیا چند کمپانی بیشتر نیستند که کاغذهای واترمارک چاپ می‌کنند. البته ما خودمان هم در کشور کاغذهای واترمارک چاپ می‌کنیم. که برای اوراق امنیتی و تراول چک‌ها استفاده می‌شود.

کاغذهای رسیدی را که عابر بانک‌ها می‌دهند هم وارد می‌کنیم یا خودمان توانش را نداریم؟ بله، جدیداً کارخانه‌هایی برای تولید کاغذهای حرارتی احداث شده است. یک شرکتی هم هست که صادرات هم در این زمینه انجام می‌دهد.

پس می‌توانیم تولید کنیم؛ اما به جای تولید وارد می‌شود؟

اما زمانه‌ی که به صادرات عابر بانک را در نظر بگیرید. ما کارت‌های اسمارت عابر بانک را در نظر بگیرید. ما خودمان اینها را تولید می‌کنیم. هم چاپخانه بانک ملی و هم دو شرکت خصوصی دیگر این کارت‌ها را چاپ می‌کنند. پی‌وی سی‌را که دارند و اطلاعات را روی آن چاپ می‌کنند. اما عطش عجیبی برای واردات وجود دارد. بخشی از این واردات به خاطر نبود امکانات نیست؛ بلکه به خاطر منافی است که برای واردکننده دارد. عطش به واردات در شرکت‌های دولتی مانع از این می‌شود که کسی روی تولید کار کند. کسانی هم که روی تولید کار می‌کنند درگیر این ماجراهای عجیب و غریب واردات می‌شوند. خیلی از چاپخانه‌های ما در حال تولید همین پاکت‌های کبک و کلوچهای هستند که هر روز استفاده می‌شود.

اما زمانی که به صادرات می‌رسیم اسمی از محصولات چاپی برده نمی‌شود. به لحاظ تولیدی مشکل خاصی نداریم. اکثر تولیدکننده‌های چاپ وقتی پای حرف‌هایشان می‌نشینید فقط از همین رکود می‌نالند وگرنه اگر جریان رونق در تولید رخ دهد مشکل حل می‌شود. برایشان مثالی می‌زنم. در همین نمایشگاه کتاب امسال دو دوستم از ایتالیا و روسیه آمدند که سفارش چاپ از ایران بگیرند و ببرند.



من به اینها گفتم شما نمی‌توانید در ایران رقابت کنید. در نمایشگاه گشت زدند و بعد از حساب و کتابی که کردند، گفتند شما چطور با این قیمت پایین اینها را چاپ می‌کنید.

ما در مورد «تتراپک» هم همین ماجرا را داریم. اگر ساندیس‌ها را یادتان بیاید، در یک‌های آلومینیومی‌ای بود که به آنها «دوپیک» می‌گوییم. یادم می‌آید آن موقع یکی از چاپخانه‌داران اصرار داشت این سفارش دهنده‌ها را به خارج از کشور ببریم و تمام امکانات را هم برایشان فراهم کنیم تا برای خرید این دوپیک‌ها به خارج از کشور نروند و چیزی وارد نکنند؛ چون ما خودمان می‌توانیم تولید کنیم.

برای واردات انگیزه وجود دارد اما بیشتر از آن منفعت مهم است؛ به‌خاطر همین وارد می‌شود.

یعنی الان ما خودمان اگر بخواهیم کاغذهای حرارتی یا تتراپک‌ها تولید کنیم، می‌توانیم این کار را انجام دهیم؟ بله می‌توانیم. احتمال دارد که اصل کاغذ وارد شود. مثلاً کاغذی داریم که به آن می‌گوییم کاغذ پشت چسب‌دار. این کاغذها وارد می‌شوند، چسب می‌خورند و پشتش یک کاغذ روغنی متصل می‌شود. شرکت بزرگی که از توابع یکی از شرکت‌های بزرگ شوینده است چون حجم بالایی لیبل را دارد این نوع کاغذ را وارد و لیبل را در همین جا تولید می‌کند. کاغذ حرارتی هم همین‌گونه است. اصل کاغذ باید وارد شود اما فرایند حرارتی شدن در کشور خودمان انجام می‌شود ولی باز هم خیلی‌ها به دنبال واردات هستند.

چیزی هست که نتوانیم تولید کنیم؟

سوال سختی است. چیزی که اصلاً امکان تولید آن را نداشته باشیم، نداریم. هولوگرام، چاپ فلزی یکپچ، چاپ کارتن و تقریباً تمام چیزهایی را که نیاز داریم خودمان می‌توانیم تولید کنیم. ویژگی صنعت چاپ همین‌گونه است. شما بازار را می‌سنجید و مبتنی بر بازار، کار انجام

می‌دهید. مثلاً در بسته‌بندی سیگار اگر اشتباه نکنم سالانه ۶۰ میلیارد نخ مصرف سیگار داریم. عدد سنگینی است و نیاز به بسته‌بندی دارد. یک شرکت انگلیسی و یک شرکت چینی تولید سیگار را در ایران انجام می‌دهند. اما مشکل اصلی‌شان بسته بندی است. در نهایت با یک شرکت اتریشی هماهنگ کردند و این شرکت در ایران چاپخانه زد و همه نیازهای آنها برآورده شد.

مثلاً در چاپ سه‌بعدی که عمری ندارد، مادر داخل کشور، شرکت‌های دانش‌بنیان داریم که دستگاه چاپ سه بعدی تولید می‌کند.

یک متولی نداریم که اینها را سامان دهی کند؟ متولی‌ای که ماموریت ساماندهی اینها را انجام دهد، نداریم. مثلاً در چاپ سه‌بعدی الان معاونت علمی و فناوری رئیس‌جمهور متولی کار شده است. امیدوارم این تفکیک‌ها به نتایج مثبتی برسد و بخش صنعتی چاپ، صنعتی دیده شود.

در ارشاد بیشتر به بعد چاپ کتاب توجه می‌شود تا بعد صنعتی.

حالا چرا این را می‌گویید. می‌گوییم صنعت چاپ بالاخره یک بعد فیزیkal دارد یک بعد محتوا. ورود دستگاه، جابه‌جایی و فروش همه با وزارت ارشاد بوده است. به لحاظ انسانی هم کارشناس ندارد. اما متأسفانه به دلیل اشتباه ۲۵ سال پیش که آیین‌نامه را تصویب کردند و حوزه چاپ را امنیتی می‌دیدند؛ چون تنها راه انتقال اطلاعات همین چاپ بود برای همین این نوع مدیریت را برایش در نظر گرفتند. اما الان چاپ به حوزه تخصصی خودش رسیده است.

بزرگ‌ترین مشکل حوزه چاپ کجاست؟ در حوزه صنفی یک مشکل به بلوغ نرسیدن شکل‌های صنفی است. در حوزه دولتی هم قوانین دست‌وپاگیر و موازی کاری تولیدکننده را اذیت می‌کند. بسیاری از این قوانین زاید است و اگر حذف شود تنها آسیب نمی‌زد؛ بلکه کار را هم تسهیل می‌کند. در حوزه کسب‌وکار هم اگر مقداری شرایط تسهیل شود و رونق داشته باشد صنعت چاپ کارش را انجام می‌دهد. فکر می‌کنم وزارت ارشاد اگر با شیب منطقی جلوی باری که به صنعت چاپ وارد کرده است را ببندد، اتفاق خوبی خواهد افتاد.